

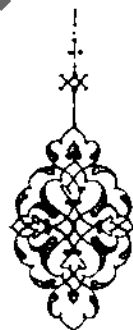
حقوق ملت در قانون اساسی مشروطیت

و

جمهوری اسلامی ایران



www.ketab.ir



سرشناسه :	عصمتی، حمید، ۱۳۵۶-
عنوان قراردادی:	ایران، قوانین و احکام Iran.Laws,etc
عنوان و نام پدیدآور:	حقوق ملت در قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران/تألیف حمید عصمتی، فرشته حسن زاده گرچی
مشخصات نشر:	تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری:	۳۲۴ ص.
فروست:	مرکز اسناد انقلاب اسلامی: ۷۳۹. حقوق سیاسی: ۲۵.
شابک:	۴۲۰۰۰ ریال: ۷- ۴۸۸- ۴۱۹- ۹۶۴- ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:	فیا.
موضوع:	مردم (حقوق اساسی)- ایران
موضوع:	حقوق اساسی - ایران.
موضوع:	حقوق تطبیقی.
موضوع:	حسن زاده گرچی، فرشته، ۱۳۶۰-.
شناسه افزوده:	مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
رده بندی کنگره:	۱۳۸۹ ج ۷ /ع/ ۴۵۰۴ KMIH
رده بندی دیویی:	۳۴۲/۵۵۰۸
شماره کتابشناسی ملی:	۲۲۵۳۸۶۳



انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عنوان: حقوق ملت در قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران

تألیف: جمید عصمتی - فرشته حسن زاده گرجی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۳۸۹

شمارگان: ۲۰۰۰ قیمت: ۴۲۰۰ تومان

حروف چینی و لیتوگرافی: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

چاپ و صحافی: چاپخانه مرکز اسناد انقلاب اسلامی

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۱۹-۴۸۸-۷

ISBN: 978-964-419-488-7

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان شریعتی، ترسیده به میدان قدس، روبه روی پمپ بنزین اسدی، پلاک ۱۹۵۴.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی. صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۳۸۹۶ تلفن: ۲۲۲۱۱۱۹۴ تلفکس: ۲۲۲۱۱۱۷۴

www.irdc.ir

فهرست مطالب

۱۱	 مقدمه
۱۳	 پیشگفتار
	بخش اول:
۱۹	 کلیات
۲۱	 فصل اول: مبانی نظری و فلسفی حقوق ملت در ایران
۲۱	 گفتار اول: اندیشه‌ی ایرانشهری
۲۵	 گفتار دوم: حقوق فطری (طبیعی) در اندیشه‌ی اسلامی
۳۴	 الف) از غیبت تا ظهور دولت صفوی
۳۶	 ب) از صفویه تا انقلاب اسلامی
۴۰	 ج) دوره‌ی انقلاب اسلامی
۴۲	 گفتار سوم: اندیشه‌ی غربی
۴۳	 الف) حقوق طبیعی در یونان و روم
۴۵	 ب) قرون وسطا و میانه
۵۵	 ج) اعلامیه‌های حقوق و قوانین اساسی
۵۶	 اسناد و اعلامیه‌های حقوق در انگلستان
۵۷	 اعلامیه‌های حقوق در آمریکا
۵۷	 اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروند فرانسه
۵۸	 قوانین اساسی

قانون اساسی ایالات متحده آمریکا.....	۵۹
قانون اساسی فرانسه.....	۶۰
فصل دوم: مصادیق حقوق بشر در دوره‌ی معاصر.....	۶۳
الف) حقوق فردی.....	۶۴
حق آزادی شخصی.....	۶۴
حق امنیت شخصی.....	۶۵
حق آزادی اندیشه (فکر).....	۶۸
حق آزادی عقیده و مذهب.....	۶۹
حق آزادی بیان و مطبوعات.....	۷۱
حق مالکیت خصوصی.....	۷۴
حقوق و آزادی‌های مربوط به کار.....	۷۶
ب) حقوق جمعی.....	۷۸
حق آزادی اجتماعات.....	۷۸

بخش دوم:

حقوق ملت در قانون اساسی مشروطیت.....	۸۱
فصل اول: طرح موضوع حقوق ملت در قانون اساسی مشروطیت.....	۸۳
گفتار اول: روند طرح و تدوین قانون اساسی مشروطیت.....	۹۰
الف) قانون اساسی مشروطیت (۵۱ ماده‌ای).....	۹۰
ب) تدوین متمم قانون اساسی (۱۰۷ اصل).....	۹۹
گفتار دوم: منابع قانون اساسی مشروطیت.....	۱۰۶
الف) منابع خارجی:.....	۱۰۶
ب) منابع داخلی (شرع و مذهب).....	۱۱۰
فصل دوم: پیامدهای حقوقی مشروطیت.....	۱۱۳

بخش سوم:

حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی	۱۱۹
فصل اول: تحولات حقوقی، از مشروطه تا انقلاب اسلامی	۱۲۱
۱- اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر	۱۲۲
۲- قرارداد اروپایی حمایت از حقوق بشر	۱۲۷
۳- منشور اجتماعی اروپا	۱۲۸
۴- قرارداد حمایت از حقوق بشر در قاره آمریکا	۱۲۸
۵- منع تبعیض نژادی	۱۲۹
۶- رفع تبعیض از زن	۱۲۹
۷- منشور کنفرانس اسلامی	۱۳۰
فصل دوم: روند طرح و تدوین قانون اساسی	۱۳۱

بخش چهارم:

بررسی تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی	۱۴۳
فصل اول: حقوق و آزادی‌های فردی	۱۴۵
الف) حق آزادی و امنیت شخصی	۱۴۵
قانون اساسی مشروطیت	۱۴۸
قانون اساسی جمهوری اسلامی	۱۵۱
ب) حقوق و آزادی‌های مربوط به حوزه‌ی اندیشه	۱۵۵
قانون اساسی مشروطیت	۱۵۸
قانون اساسی جمهوری اسلامی	۱۶۰
فصل دوم: حقوق و آزادی‌های جمعی	۱۶۵
قانون اساسی مشروطیت	۱۶۶
قانون اساسی جمهوری اسلامی	۱۶۸
فصل سوم: ارزیابی حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی	۱۷۱

الف) نهادینه نشدن قوانین در مشروطیت.....	۱۷۱
ب) ضمانت اجرایی حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی.....	۱۷۷
ج) انتقادات به قانون اساسی جمهوری اسلامی.....	۱۷۸
نتیجه گیری.....	۱۸۷
پیوست ها.....	۱۸۹
کتابنامه.....	۲۸۱
نمایه.....	۲۹۱

مقدمه

همزمان با تحولات صنعتی و اجتماعی بعد از رنسانس و با مطرح شدن مفهوم دولت - ملت های مدرن یکی از اصلی ترین مباحث حقوق اساسی همواره حقوق ملت بوده است. تلقی جدیدی که از جایگاه بشر در مقابل جهان شکل گرفته بود، همان طور که در حوزه های فردی و هنر و ادبیات تأثیر گذاشت در حوزه های اجتماعی و فلسفه ی سیاسی نیز به شدت تأثیر گذار بود. مفهوم قرارداد اجتماعی و مطرح شدن قانون اساسی به عنوان میثاق مردم و حکمرانان از جمله ی این موارد بود. به تبع بسط مدرنیته به تدریج سایر ملل جهان نیز متأثر از این دیدگاه به سمت قانون نویسی و طرح دیدگاه های مدرن و اومانیستی در فضای حقوقی روی آوردند.

در چنین شرایطی انقلاب اسلامی با شعار بازگشت به دین و سنت های دینی در نیمه ی دوم قرن بیستم به دنبال درانداختن طرحی جدید برای زندگی انسان بود، طرحی که اگرچه جنبه های مثبت و پیشرفت های حقیقی زندگی جدید را می پذیرد، اما در کنار آن روح عبودیت را که توسط فرهنگ مدرنیته کنار گذاشته شده بود، دوباره مطرح می کند و درصدد پیاده کردن روح زندگی مؤمنانه در بستر زندگی جدید است. لذا با اخذ رویکرد قانون نویسی و قالب جمهوری برای حکومت، مفاهیم و پایه های اصلی زندگی را از دین اسلام اخذ می کند.

اثر حاضر به بررسی جایگاه حقوق ملت در قانون اساسی به عنوان مهم ترین دستاورد حقوقی انقلاب اسلامی و مقایسه ی آن با تلاش های صورت گرفته در زمان

انقلاب مشروطه می‌پردازد. مؤلفان کوشیده‌اند با بررسی مبانی متفاوت اسلام و غرب در حوزه‌ی حقوق ملت و مرور مسیر تاریخی طرح این حقوق در قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با بررسی تاریخی، حقوقی و اندیشه‌ای، گامی در طرح مباحث مربوط به حقوق ملت بردارند.

در پایان ضمن تشکر از سرکار خانم فرشته حسن‌زاده و آقای حمید عصمتی، نویسندگان محترم این اثر از زحمات آقای دکتر اکبر اشرفی معاون پژوهشی، آقای علی کردی مدیر بخش تحقیق، آقای میرحواس احمدزاده مدیر گروه حقوق و اندیشه‌ی سیاسی، آقای سیدمحسنی کارشناس گروه حقوق سیاسی و نیز همکاران محترم در معاونت انتشارات قدردانی می‌شود.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

پیشگفتار

پیشینه‌ی دستیابی به آنچه امروزه به‌عنوان قانون اساسی در هر کشوری شناخته می‌شود بسیار مفصل است. قانون اساسی امروزه به‌عنوان بالاترین مرجع قانون‌گذاری و همچنین مبین نوع حکومت و چگونگی تقسیم قدرت، میان زمامداران می‌باشد. در کنار آن، امروزه حقوق بشر و آنچه از آن به‌عنوان «حقوق ملت» در این قوانین یاد می‌شود، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حکومت‌های مردمی و مبتنی بر خواست مردم می‌باشد.

در بررسی تاریخ اجتماعی ملل مختلف، آنچه در ارتباط با حقوق ملت وجه غالب را تشکیل می‌داد، عدم توجه و به‌رسمیت‌شناختن چنین حقوقی از سوی عالی‌ترین مرجع قدرت در هر جامعه (دولت) بود. در بسیاری از جوامع، حاکمان، اغلب بر اساس معیارهای شخصی خود با رعیت‌های خویش رفتار می‌کردند. اما به‌تدریج در نتیجه‌ی برخی رخدادها - به ویژه انقلاب کبیر فرانسه - رعیت تبدیل به شهروندانی گردیدند که صاحب برخی حقوق بنیادی شدند و حاکمان نه تنها مجاز به تعدی به این حقوق نگردیدند، بلکه از جمله وظایف حکومت، ایجاد راهکارهایی جهت تضمین و دفاع از این حقوق در مقابل افراد، نهادها و سازمان‌هایی گردید که نافی این حقوق بودند. این تحول در حقوق عامه به‌تدریج در سرتاسر دنیا رواج یافت و از جمله ایران نیز تحت‌تأثیر قرار گرفت.

ایران و ایرانیان با انقلاب مشروطیت وارد دوره‌ی جدیدی از رابطه با حاکمان خویش گردیدند. پیش از آن، مردم رعیت و رمة‌هایی بودند که اربابان و شبانان بر آنها

حکومت می کردند. اما بر اثر تحولاتی، با ظهور و به نتیجه رسیدن انقلاب مشروطیت و مشروط ساختن حکومت، فصلی در قانون اساسی و متمم آن گنجانده شد که نام «حقوق ملت» را به خود اختصاص داد و نشان از این داشت که ملت از این پس، از چنین حقوقی برخوردار است و دولت و دولتیان حق تعدی به این حقوق را ندارند.

دور از واقعیت نیست اگر ادعا کنیم حقوق ملت، علت اصلی یا شاید مهم ترین علت به وقوع پیوستن مشروطیت بود. قاطبه ی مردم به دنبال سروسامان دادن به وضعیت و برخورداری از حقوقی بودند که بتواند آزادی، امنیت و مالکیت آنها را تأمین نماید. این خواسته، با وجود گنجانده شدن در متمم قانون اساسی، در عمل از سوی حاکمان واقعی گذاشته نشد تا آنجایی که این خواسته ها در انقلاب اسلامی دوباره جزء شعارهای انقلابیون گردید و این نشان از آن داشت که علی رغم اظهار این حقوق و درج در عالی ترین مرجع حقوقی کشور - قانون اساسی - در عمل حقوق ملت جایگاه چندانی در طی این سال ها نداشته است.

با این اوصاف، مسئله ی اصلی - که در این پژوهش بدان خواهیم پرداخت - این است که حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه از چه جایگاهی برخوردار بود؟ قانون اساسی در این دوره چه ویژگی ها، مزایا و معایبی داشت که علی رغم تصویب آن، در عمل و واقعیت نتوانست این حقوق را تضمین و عملی سازد؟ آیا عدم توجه به مبانی فرهنگی جامعه علت ناکامی بود یا عدم توجه در ایجاد راهکارها و ایجاد ضمانت های حقوقی در درون قانون اساسی؟ این قانون دارای چه نقاط قوت و ضعفی بود و باعث ایجاد چه تحولات حقوقی دیگری در پی خود شد؟

به هر روی پس از مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی، که یک بار دیگر بحث حقوق ملت در کانون توجه قرار گرفت، اتفاقاتی در این زمینه شکل گرفت که جایگاه مهم تری به این حقوق داد. مهم ترین رویداد، جنگ جهانی دوم و تبعات ناشی از آن بود که بیش از همه توجه به حقوق مردم را می طلبید. پس از جنگ، اعلامیه ی جهانی

حقوق بشر به تصویب سازمان ملل متحد رسید و کلیه کشورهای چه در نظر و چه در عمل سعی نمودند قوانین خود را با آن منطبق سازند.

این مسائل زمانی اهمیت می‌یابد که به دنبال بررسی حقوق ملت در قانون اساسی مشروطه به مقایسه و تطبیق این قانون و حقوق مندرج در آن با قانون اساسی جمهوری اسلامی پرداخته شود. پس از بررسی رویدادهای حقوقی و تحولاتی که رویکرد جدیدی نسبت به این حوزه ایجاد نمود، به روند چگونگی طرح و تصویب قانون اساسی در جمهوری اسلامی پرداخته می‌شود و قلمرو حقوق ملت در این قانون مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این میان به حقوق ملت و تطبیق آن در قانون اساسی این دو دوره و اینکه این دو قانون چه رویکردی نسبت به حقوق ملت داشته‌اند و آیا عیوب وارد بر قانون اساسی مشروطه در قانون اساسی جمهوری اسلامی رفع گردیده است یا خیر؟ و اینکه حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی از چه ویژگی‌های جدیدی برخوردار است، که قانون اساسی مشروطیت فارغ از آن بود؟ و در مقایسه میان این دو قانون کدام یک از ضمانت اجرای بیشتری برخوردار است؟ می‌پردازیم.

جهت رسیدن به این پاسخ‌ها پس از ذکر میانی و بنیان‌های فلسفی و تاریخی این حقوق، آنها را در دو دسته حقوق فردی و جمعی تقسیم‌بندی نموده به تحلیل آنها می‌پردازیم و در تحلیل حقوق ملت در قانون اساسی این دو دوره، همواره از آن استفاده خواهیم کرد.

شاید مهم‌ترین دلیل انتخاب و پرداختن به این موضوع بدیهی بودن آن به این صورت باشد. تاکنون در غالب تحقیق‌های صورت گرفته درباره انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، گرچه جایگاه حقوق ملت مورد بررسی قرار گرفته، اما به این شکل که این حقوق با بنیان‌های نظری و تحول آن در دوران معاصر و همچنین مقایسه آن در قالب دو قانون اساسی، که برگرفته از دو انقلاب اجتماعی مهم و تأثیرگذار می‌باشند، انجام نشده است.

بررسی حقوق ملت و مقایسه آن زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بدانیم، یکی از

بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق افراد را مطرح می‌کند و توانسته است با درج در قوانین اساسی و اسناد و معاهدات بین‌المللی، ضمانت اجرایی حقوقی پیدا کند و بدین ترتیب حقوق اولیه‌ی شهروندان را تضمین و تأمین نماید. مقایسه‌ی تطبیقی قانون اساسی مشروطه با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو قانون را در زمینه‌ی حقوق ملت نشان دهد؛ به ویژه آنکه این دو قانون از نظر مبانی و ویژگی‌ها و بنیان‌ها متفاوت هستند.

مورخان ایران‌نگامی که به بررسی تحولات تاریخی ایران می‌پردازند، در تمایز میان دوران مختلف و تأکید بر دوران معاصر، همواره از یک تحول عمده به‌عنوان نشانه‌ی دوران کهن و معاصر نام می‌برند؛ این تحول عمده چیزی نیست مگر انقلاب مشروطه. شاید بارزترین وجه انقلاب مشروطه نسبت به تحولات تاریخی دیگر که در مقابل دولت و حکومت انجام گرفته است، شکل‌گرفتن منشوری حقوقی بوده که در این منشور - که به آن قانون اساسی گفته می‌شود - به تقسیم‌بندی قوای حکومتی، تعیین حقوق و تکالیف پادشاه و همچنین بر حقوق عامه‌ی ملت تأکید شده است؛ چیزی که تا آن زمان برای مردم بسیار غریب بود.

مهم‌ترین دستاورد انقلاب مشروطه در این رابطه و نتیجه‌ی تلاش جهت برقراری عدالت، گنجاندن فصلی به نام «حقوق ملت» در قانون اساسی بود. اینکه حقوق ملت و تأکید بر آن به چه دلیل این‌گونه مورد توجه می‌باشد و این حقوق برآمده از چه خاستگاهی است، نتیجه‌ی تاریخچه‌ی تحولات بشری برای رسیدن به چیزی می‌باشد که امروزه «حقوق بشر» نامیده می‌شود.

نظری رایج، تاریخ زایش حقوق بشر را پایان سده‌ی هجدهم می‌داند؛ یعنی زمان صدور اعلامیه‌ی استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶م و اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندی فرانسه در اوت سال ۱۷۸۹م که حقوق بشر در هر دو اعلامیه بی‌چون و چرا نگاشته شده است. اما برای به‌رسمیت شناخته‌شدن و تأیید آموزه‌ی حقوق بشر که در قالب قوانین اساسی نام حقوق ملت را با خود یدک می‌کشید، سه شرط لازم بود:

۱- بایستی بشر به مانند یک واقعیت به رسمیت شناخته می‌شود و به سطح یک ارزش و وجودی آرمانی ارتقا می‌یافت.

۲- بایستی این وجود آرمانی از جایگاهی حقوقی برخوردار می‌شود.

۳- بایستی قدرت سیاسی این وضعیت حقوقی را تضمین می‌کرد.^۱

حال با کمی اغماض می‌توان اعلام نمود از میان این سه شرط، شرط دوم در انقلاب مشروطه محقق شد، اما شرط اول و سوم مغفول ماند و این مسئله باعث گردید تا پس از سال‌ها در تحولاتی دیگر در سال ۱۳۵۷، قانون اساسی جدید و حکومتی دیگر که اکنون پسوند دینی را نیز با خود حمل می‌کند، عهده‌دار این مهم شود و ما در این پژوهش به بررسی و تطبیق حقوق ملت در این دو قانون اساسی، که برآمده از دو جریان مختلف می‌باشد، می‌پردازیم.

پیش از پرداختن به مقوله‌ی تطبیق حقوق ملت در چارچوب قوانین اساسی مصوب، در دو دوره‌ی تاریخی متفاوت در گستره‌ی سرزمین ایران، به دو دلیل احتیاج به روشن نمودن مقوله‌ی چیستی «حقوق ملت» می‌باشد. پیش از همه (دلیل اول) نفس حقوق ملت است. اینکه حقوق ملت به لحاظ تاریخی و اندیشه‌ای ریشه در چه خاستگاه‌هایی دارد و در این برهه‌ی تاریخی هنگامی که صحبت از آن می‌شود، چه چیزی منظور نظر گوینده یا نویسنده می‌باشد، ضروری است. زیرا تا هنگامی که برداشت یکسانی از یک مفهوم وجود نداشته باشد، احتمال خلط مفهوم بسیار زیاد است. جهت بررسی یک مقوله‌ی انتزاعی بیش از همه ضرورت پرداختن به برداشت از آن مقوله، مقدمه‌ی هر بحثی می‌باشد، لذا جهت تطبیق دو قانون اساسی نوع نگاه به مقوله‌ی حقوق ملت ضروری می‌نماید.

به علاوه (دلیل دوم) «قانون اساسی» و نفس نوشتن، انتشار و تصویب آن (به شیوه‌های گوناگون) مقوله‌ای است مدرن که پس از تحولات گوناگون در کشورهای

۱. بلاندیل کریزل، درسنامه‌های فلسفه‌ی سیاسی، ترجمه‌ی عبدالوهاب احمدی، تهران، فرهنگ و اندیشه، ۱۳۸۰.

غربی روی داد. قانون اساسی به عنوان یکی از آثار دنیای مدرن خود را به کشورهای دیگر عرضه نمود، و در این میان در ایران نیز به تبع سایر کشورها پس از روی دادن تحولاتی تاریخی، مقوله‌ی قانون اساسی توسط روشنفکران جامعه به عنوان عاملی جهت برون رفت از اوضاع زمانه مطرح شد و پس از کش و قوس‌های فراوان تصویب گردید. لذا پرداختن به ریشه‌ها و مبانی حقوق ملت، در اندیشه‌ی غربی و در کنار آن اندیشه‌ی اسلامی به جهت قرار گرفتن ایران در حوزه‌ی تمدن اسلامی و نقش بسیار تأثیرگذار علما در دو دوره‌ی مورد بررسی (مشروطیت و جمهوری اسلامی) نیازی است که برای روشن نمودن بحث تطبیق کاملاً ضروری می‌نماید.

www.ketab.ir